



آیت الله مظاهری گفت: مرحوم صدر المتألهین در اول أسفار می‌گوید به واسطهٔ عمل به قرآن و متابعت از اهل بیت به این مقام رسیده‌ام.

تقدیر به طواهر شرع، آشنایی کامل به رساله مرجع تقلید داشته باشیم. اگر کسی تقلید نکند، مثل مریدی است که دکتر نرود و بالاخره می‌زنند؛

اگر کسی جاهل باشد و وارد کاری شود، آن کار را خراب می‌زند. باید از کسی که متخصص در کار است، مشورت بگیرد. ما هم باید تقلید کنیم و تقلید به قول بزرگان یک امر فطری است و امریست که خود انسان درک می‌زند. چطور اگر مریض شد، به طور ناخودآگاه به دنبال دکتر می‌رود و اگر کار تخصصی پیدا کرد به دنبال خبره می‌رود و کسی که مربوط به این حرف‌هاست اگر حکمی از احکام برایش جلو آمد باید به دنبال رساله مرجع تقلید برود، این عمل به قرآن است.

فرقی نیست که قرآن را اهل بیت؛ سلام؛ الله؛ علیهم؛ و اند در روایات ما، و سنی‌ها این را ندارند. ما الحمدلله از نظر روایات مستغنی هستیم و روایات ما مربوط به اهل بیت؛ سلام؛ الله؛ علیهم؛ است. پیغمبر اکرم؛ صلی؛ الله؛ علیهم؛ و آله؛ سلام؛ و تا آخر عمرشان بیش از هزار مرتبه فرموده‌اند: «اَهلُ بَیْتِیْ لَیْسَ بَیْنَهُمْ رَکْبَةٌ»؛ «فَیْکُمْ الْیَقِیْنُ مَا اِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهَمَّا لَنْ تَضَلُّوا کِتَابَ اللّٰهِ وَ عِثْرَتِیْ» و «اَهلَ بَیْتِیْ لَنْ یَفْتَرِقَا حَتّٰی»؛ «یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ»؛

ای مسلمانان، قرآن، اهل بیت؛ سلام؛ الله؛ علیهم؛ و اهل بیت؛ سلام؛ الله؛ علیهم؛، قرآن. این دو جدا شدنی نیستند. یکی اصل و یکی مفسر و یکی اصل و یکی مبین است و این دو باید دوش به دوش هم باشند تا روز قیامت. روایت ثقلین به ما همین را می‌گوید که ما باید از نظر عمل تابع قرآن باشیم و اگر بخواهیم تابع قرآن باشیم باید تابع اهل بیت؛ سلام؛ الله؛ علیهم؛ باشیم و اگر بخواهیم تابع اهل بیت؛ سلام؛ الله؛ علیهم؛ باشیم، باید به رساله مرجع تقلید آشنایی کامل داشته باشیم.

لذا واجب و لازم است بر همه و مخصوصاً جوانان؛ که در شبانه روز یک ساعت رساله بخوانند و وارد در رساله باشند. جداً اگر در شبانه روز یک ساعت رساله بخوانند آشنایی کامل به رساله پیدا می‌کنند و رساله همه چیز دارد. ولو اینکه عمر هفتاد هشتاد ساله مرجع تقلید است، اما از نظر عمل کوتاه نیامده و هرچه شما از نظر عمل بخواهید، رساله توضیح المسائل دارد و اگر به طور تفصیل نباشد، باید سوال شود و جواب داده شود و بالاخره آشنایی کامل به احکام باشد. این یک عمل به قرآن است که باید باشد.

دوم، عمل به قرآن است. قرآن از نظر اعتقادات خیلی رساست. زبان فلسفه و عرفان را ندارد، اما بالاتر از زبان فلسفه و عرفان، اعتقادات فطری دارد. از نظر اعتقادات قرآن کمبود ندارد. قرآن از نظر توحید در اصل وجود خدا بسیار عالی بحث کرده است. راجع به مراتب توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید عبادی و توحید افعالی به طور عالی قرآن صحبت کرده است. اگر کسی وارد در قرآن باشد و بخواهد اعتقادات خود را از قرآن بگیرد، بالاترین مراتب توحید در قرآن است. به عبارت دیگر آنچه بزرگان گفته‌اند، در قرآن هست.

مرحوم صدرالمآلهین؛ رضوان؛ الله؛ تعالی؛ علیهم؛ در اول أسفار می‌گوید: من مدتی مشاء خواندم و متخصص در فلسفه مشاء شدم، دیدم تاریک است. مدتی اشراق خواندم و متخصص در فلسفه اشراق شدم و دیدم خطرناک است. دست زدم به قرآن و اهل بیت؛ سلام؛ الله؛ علیهم؛ و دیدم آرام شدم. لذا خیلی جاها وقتی صدرالمآلهین بحث‌های خیلی بالای فلسفی نظیر حرکت جوهری را بیان می‌کند، بعد از بحث‌های دقیق فلسفی یک جمله دارد و می‌فرماید: «و هذا المطلب الشریف الغامض اللطیف مما وجدوه و حصلوه بالکشف و الشهود عقیب ریاضاتهم و خلواتهم، و هو مما اقمنا علیه البرهان مطابقاً لکشف والوجدان»؛ عمل به قرآن مرا به اینجا رسانده است. من روی عقیده‌ای که دارم، استدلال می‌کنم، یعنی استدلال‌هایم برای توست و برای خودم نیست؛ بلکه خودم به مرتبه یقین رسیده‌ام. خودم از نظر علمی، علم‌الیقین و عین‌الیقین و حق‌الیقین، به واسطه عمل به قرآن و متابعت از اهل بیت؛ سلام؛ الله؛ علیهم؛ به این مقام رسیده‌ام، اما متخصص در مشاء و اشراق هستم. لذا برای استدلال هم می‌زنم. لذا قرآن از نظر توحید خیلی بالا و رساست و هر بی‌سوادی می‌فهمد.



اگر صفت رذیله ای در دل او رسوخ کرده باشد، بدبخت است. صفت رذیله نمی‌گذارد این سعادت‌مند شود. این قرآن است که با یازده قسم به شما عزیزان می‌گوید باید تهذیب نفس کنید و باید خودسازی کنید. در شبانه روز یک ساعت عمر را به خودسازی دهید، عالی می‌شود. راجع به خودسازی حرف زیاد است و الحمدلله کتاب‌ها فراوان در این باره نوشته شده است، اما بالاترین کتاب‌ها قرآن و روایات اهل بیت‌السلام‌الله‌علیهم‌است.

[۱]. الجمعة، ۲: «اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

[۲]. البقره، ۲۵: «کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند.»

[۳]. البقره، ۲۵: «کسانی را که ایمان آورده‌اند.»

[۴]. البقره، ۲۵: «و کارهای شایسته انجام داده‌اند.»

[۵]. الرعد، ۲۹: «خوشا به حالشان.»

[۶]. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۴.

[۷]. الشمس، ۹ و ۱۰: «که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد، و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً درباخت.»

[۸]. الشمس، ۹ و ۱۰: «و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً درباخت.»